

# قریحه ذاتی سامیه

# Sempe

■ مسعود شجاعی طباطبایی



بدون شك هر هنرمندی در هر شاخه‌ای از هنرهای تجسمی برای ارائه آثارش دست کم به سه چیز نیاز دارد:

۱- تجربه یا نبوغ ۲- تجسم بخشیدن به این تجربه یا نبوغ در یک قالب تصویری یا تجسمی ۳- مفهوم بودن این قالب تصویری یا تجسمی برای مخاطبان.

در واقع، این سه بخش با هم مرتبط و از هم تفکیک‌ناپذیرند. اما این مراحل برای هنرمندانی که در حیطه کاریکاتور کار می‌کنند، به واسطه نحوه برخورد متفاوتشان کمی فرق می‌کند. در واقع، کاریکاتوریست‌ها علاوه بر موارد بالا، باید از قریحه نیز برخوردار باشند که به نظر می‌رسد غالباً ذاتی است! اما قطعاً تنها داشتن قریحه شرط کافی و وافی برای میدل شدن به یک کاریکاتوریست موفق نیست. بلکه استفاده بهینه از آن چیزی است که یک هنرمند کاریکاتوریست را از بقیه جدا می‌کند.

بسیاری از آدم‌ها ممکن است از قریحه طنز برخوردار باشند و از طرح‌ها یا شوخی‌های کنگ و رمزآمیز به خنده بیفتند و کاملاً متوجه ظرایف و نکات ارائه شده بشوند، اما کالبدشکافی یک شوخی یا کاریکاتور و ارائه آن قطعاً کار یک طنزپرداز و کاریکاتوریست است.

برای داشتن قریحه طنز یا استفاده بهینه از آن نمی‌توان اصول یا فرمول‌های خاصی را پیشنهاد کرد، همانند یک سده پیش که بیماران مبتلا به مرض قند (که معمولاً سرشار از قندند!) دقیقاً نمی‌دانستند چگونه به آن بیماری مبتلا شده‌اند و چگونه می‌توانستند از آن رهایی پیدا کنند. کاریکاتوریست‌های خوش قریحه هم سرشار از طنزند و شاید یک سده دیگر اصول مربوط به این خوش قریحگی نیز کشف شود و همگان بتوانند با استفاده از آنها طنزپرداز یا کاریکاتوریست شوند. مسئله دیگر اینکه یک کاریکاتوریست با استفاده

از قریحه طنز خود شاید متخصص طنز محسوب نشود، همانطور که یک مبتلا به مرض قند هم متخصص مرض قند به حساب نمی‌آید. او تنها می‌تواند با این استعداد خدادادی به طراحی خلاقانه و طنزآمیز از مسائل دوروبرش دست بزند و در این میان هر کس از ذوق، قریحه و قدرت دست بالاتری برخوردار باشد، بدون شك موفق‌تر است!

یکی از هنرمندان کاریکاتوریستی که از ذوق و قریحه سرشاری برخوردار است، سامیه فراشوی است. او از رویدادها و وقایع ساده اطرافش دائماً طنزهای قوی استخراج و ارائه می‌کند؛ با ارائه مثالهایی تصویری از این اسناد بی‌همنا، شاید روزنه‌هایی از این قریحه عجیب بر ما نیز آشکار شود. در کاریکاتوری سامیه صحنه درگیری شدیدی را میان جنجویان قرون وسطایی ترسیم کرده‌است که در آن خشونت و وحشی‌گری در جای‌جای طرح موج می‌زند. ضربات کشنده شمشیر، گرز و نیزه است که



از هر طرف بر سر و بدن جنگجویان فرود می‌آید تا جنگی سخت تساعی شود. در این میان، یکی از جنگجویان را می‌بینیم که در حال چرخاندن گرزش برای مبارزه با حریف است، اما به یکباره زنجیر گرزش پاره می‌شود و گرز سرگردان، در حال چرخ خوردن بر فراز سر جنگجویان به چشم می‌خورد. نگاه این جنگجو به گرز از کف رفته‌اش و نوشته «مواظب باشید» (Attention) در پایین طرح از زبان او، این طرح را بدل به کاریکاتوری سرشار از معانی طنزآمیز کرده‌است. در این کاریکاتور سامبه به سادگی به باطن آدم‌ها نفوذ کرده، با قریحه طنز فوق‌العاده‌اش انسان دوستی بشر را در شرایطی این چنین ترازیک جستجو می‌کند. در واقع، در اینجا طنز سامبه در پس عامل ترازیک قرار می‌گیرد تا بر گیرایی و جذابیت کاریکاتورش بیفزاید (به نظر می‌رسد یکی از اصول مربوط به کشف قوه قریحه طنزآمیز استفاده از تضاد موقعیت باشد، قابل توجه آیندگان!) در طرح دیگری از سامبه با ۳ کادر، جنگ دیگری را ظاهراً در همان دوران شاهدیم. این بار بر بالای برج قلعه‌ای، ناظر ریختن مواد مذاب به وسیله سه نفر از جنگجویان قلعه هستیم. در حالی که بنظر می‌رسد مهاجمان با پرتاب تیر و نیزه از پایین نبرد سختی را برای تصرف قلعه ادامه می‌دهند. در کادر دوم این کاریکاتور، یکی از جنگجویان خالی‌کننده مواد مذاب بر سر دشمنان را می‌بینیم که به داخل دیگ خم شده، اما دقیقاً مشخص نیست چه کاری می‌کند؛ در کادر آخر، معلوم می‌شود او در حال پاک کردن ته دیگ با قاشق و در نهایت ریختن باقیمانده...



1



2



3

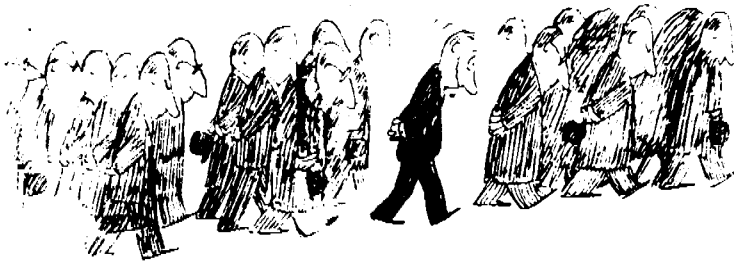


4

Sempre.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
ریتل جامع علوم انسانی

مواد مذاب بر سر مهاجمان است! این بار نیز سامیه در پس یک اقدام تلخ و هولناک، مخاطبان را با اتفاقی طنزآمیزی روبرو می‌سازد که خنده را بر لبان مخاطب ظاهر می‌سازد.



نکته مهمی که در زمینه ذوق و قریحه طنز در نزد هنرمندان متصور است، همانا دیدن پدیده‌ها و رویدادهای عادل و تفسیر موشکافانه و دقیق آنها با زبانی طنز آمیزست. کاری که سامیه انجام می‌دهد در واقع دیدن دقیق و توقف بر چیزهایی است که خیلی از ما می‌بینیم و به سادگی از آن عبور می‌کنیم.

5



در کاریکاتور دنباله‌دار دیگری از سامیه، بیننده یک اتفاق ساده هستیم، اما احساسی که در نهایت در ما ایجاد می‌کند، درک موقعیتی قوی و موثر همراه با تاثیر عمیق بر ذهن و دل ماست. در این مجموعه، سامیه از تضاد موقعیت به خوبی بهره می‌جوید و در پس توجه به عادت‌ها و مناسبات مرسوم روزمره، به شکار لحظه‌های طنزآمیز می‌رود.

6



در این کاریکاتور دنباله‌دار، عده‌ای از اطرافیان و دوستان و عزاداران در پس جنازه شخصی با قیافه‌هایی مغموم روان‌اند؛ در این حال، خانمی با بسته‌هایی در دست از کنار آنها عبور می‌کند، اما بی‌توجهی او به ارتفاع حاشیه پیاده رو با خیابان باعث می‌شود تا به سختی به زمین بخورد و بسته‌هایش هر کدام به طرفی پرت شود. در این میان، یکی از عزاداران توجه‌اش به این اتفاق جلب می‌شود و خنده‌های ریزه سرانجام نظر جمع را نیز جلب

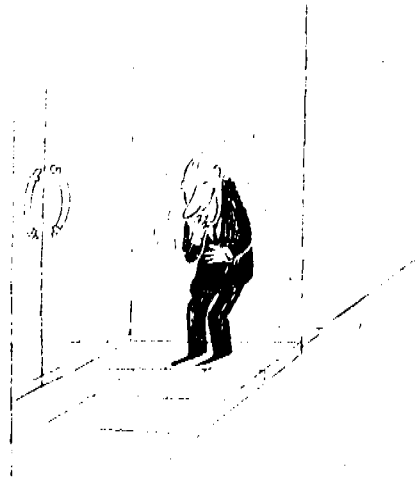
7



8



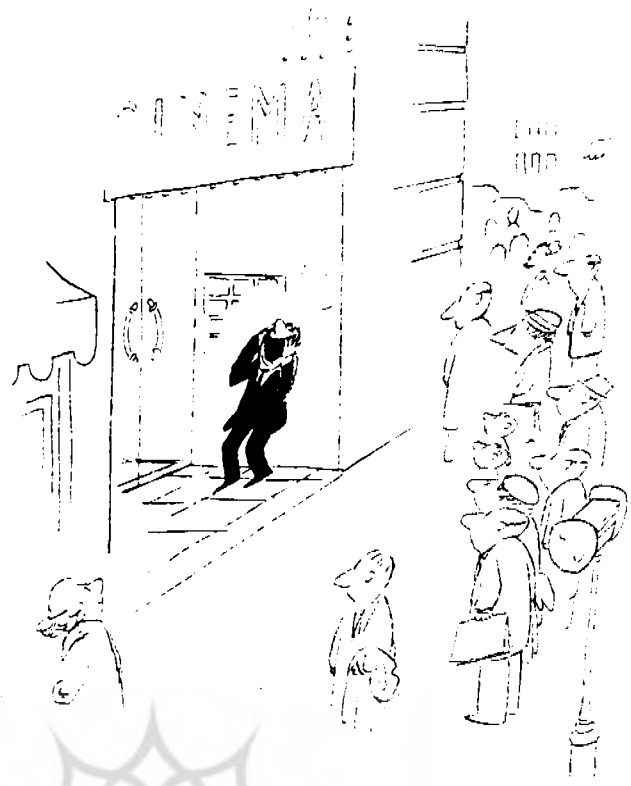
9



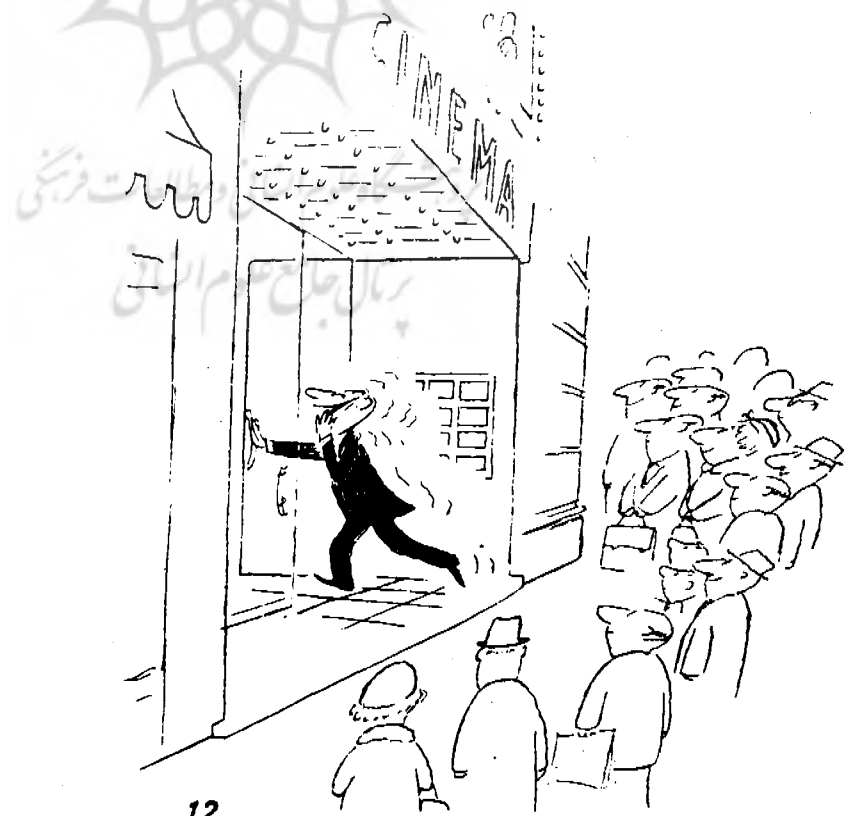
10



می‌کند. نگاه‌های تند جمعیت به خنده‌های او که دیگر از کنترلش خارج شده است، موقعیتی تلخ و در عین حال طنزآمیز را به وجود می‌آورد. خنده نابجای آن شخص سبب می‌شود که او از صف عزاداران خارج شود و به گوشه‌ای پناه ببرد. اما شدت خنده او حتی توجه رهگذران عادی را جلب می‌کند. خوشبختانه، او در کنار سینمایی قرار دارد که می‌تواند به آنجا پناه ببرد، سینمایی که با بخش فیلمی کم‌دی از ماجراهای چارلی چاپلین می‌تواند خوشحالی او را دو چندان کند. اما چهره متفکر او پس از دیدن زمین خوردن چارلی، در کنار چهره تماشاچیانی که لیریز از خنده‌اند، موقعیتی متضاد را به وجود می‌آورد. در نهایت، در حالی که همگان از خنده روده بر شده‌اند، چهره گریبان و مغموم شخصیت اصلی داستان، پایان طنزآمیز و هنرمندانه‌ای را برای این داستان کاریکاتوری رقم می‌زند.

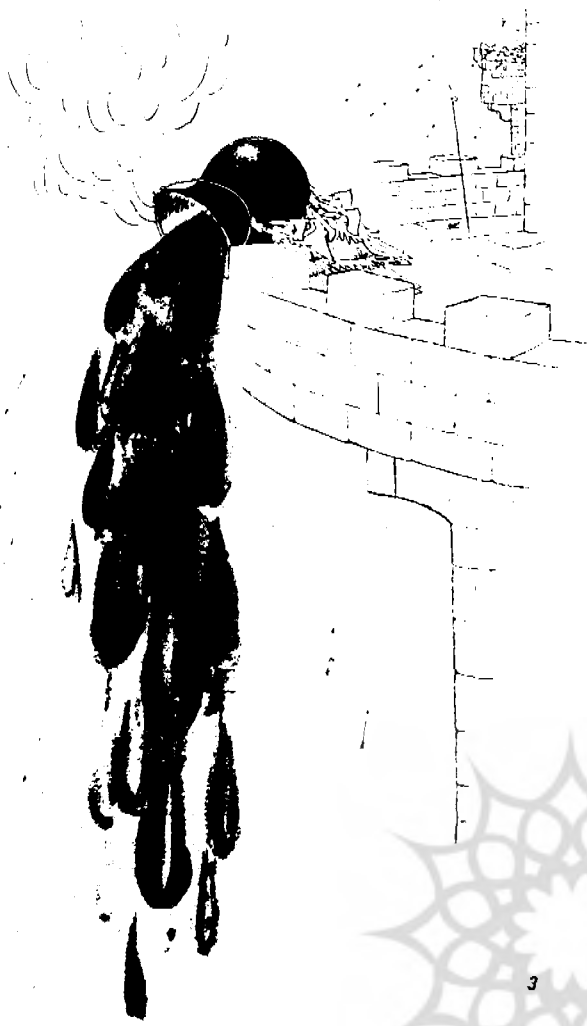


11

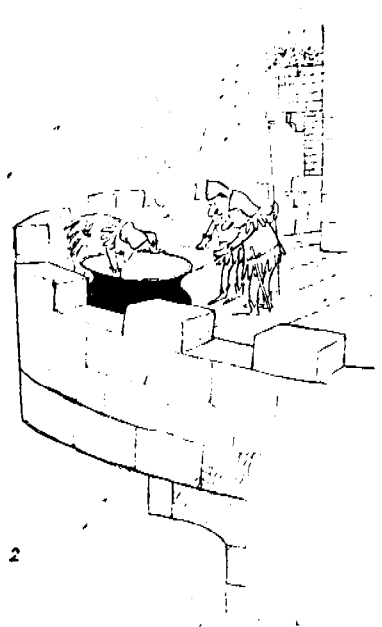


12





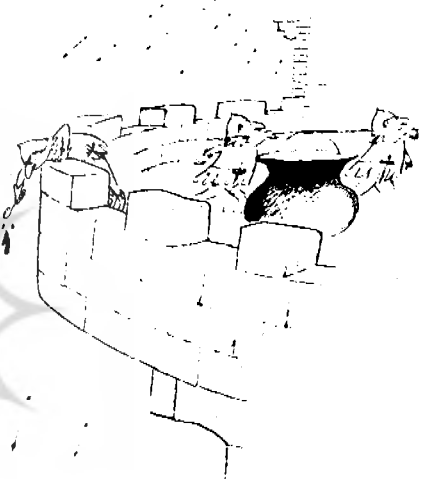
1



2



3



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



14



13